فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۹، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۸۰-۵۷

تبیین جامعه‌شناختی رابطه سبک‌های هویت با راهبردهای حل مسئله اجتماعی در دختران و پسران آماده ازدواج (مورد مطالعه: افراد مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بهارنکو در شیراز)

مریم مؤمنی[۱]، دکتر حلیمه عنایت[۲]، دکتر بیژن خواجه نوری[۳]

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

چکیده:

حضور در اجتماع و ارتباط سازگارانه با افراد جامعه مستلزم برخورداری از مهارت‌های زندگی است. حل مسئله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهارت زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای در حل تعارضات زناشویی دارد. اما اینکه چه مؤلفه‌هایی می‌تواند راهبرد حل مسئله منطقی را رقم بزند و از تنش‌ها بکاهد، در خورد مطالعه علمی است. در همین راستا مطالعه حاضر با هدف تبیین رابطه سبک‌های هویت با راهبردهای حل مسئله اجتماعی در دختران و پسران آماده ازدواج انجام شده است. برای تبیین حل مسئله اجتماعی از نظریه دزریلا و بوردیو به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شد. روش مورد استفاده پیمایش و حجم نمونه ۹۱۲ نفر است. ابزار مطالعه پرسشنامه بوده که روایی آن توسط متخصصین و پایایی آن با آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که در طبقه‌های پایین اجتماعی بیشتر از راهبرد حل مسئله اجتماعی بی‌دقت و اجتنابی استفاده می‌کنند. میزان راهبرد حل مسئله منطقی بر حسب تحصیلات با توجه به میانگین‌ها تفاوت معناداری وجود ندارند. افراد بی‌سواد در شیراز بیشتر از سایر گروه‌ها راهبردهای حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی استفاده می‌کنند. از بین سبک‌های هویت، بعد اطلاعاتی و هنجاری با راهبرد حل مسئله منطقی دارای رابطه معنادار است و سبک هویت آشفته با راهبرد حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی دارای رابطه معنادار است. نتایج رگرسیون گام به گام بیان‌گر آن است که سبک هویت آشفته، طبقه و جنسیت بیشتر قدرت تبیین‌کنندگی را حل مسئله بی‌دقت را دارند. سبک هویت آشفته، طبقه و تحصیلات نیز دارای قدرت تبیین‌کنندگی متغیر حل مسئله اجتنابی هستند. نتایج رگرسیون گام به گام بیانگر آن است که کسانی که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در آنها قوی‌تر است، بیشتر امکان دارد که از راهبرد حل مسئله منطقی استفاده کنند. این نتایج می‌تواند حساسیت مربیان و مشاوران پیش از ازدواج را نسبت به متغیرهای مهم در انتخاب همسر را بیشتر کند.

مفاهیم کلیدی: *حل مسئله اجتماعی، سبک‌های هویت، پیمایش، بهارنکو*

---

[۱] دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران m.momeni70@gmail.com

[۲] استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) h henayat@rose.shirazu.ac.ir

[۳] دانشیار بخش جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

جوامعی که هنوز نه کاملاً مدرن شده‌اند و نه در سنت‌ها باقی مانده‌اند در ادبیات رایج علوم اجتماعی، در حال توسعه خوانده می‌شوند، که اگر چه این واژه بر گستره‌ای از کشورها اطلاق می‌گردد، اما طیف بسیار گوناگون و متفاوتی از مسائل بر آن‌ها مترتب است. در این جوامع مسائل هویتی، انواع آسیب‌های اجتماعی مثل فقر، طلاق و اعتیاد و فحشا و ... است. در واقع، علیرغم تفاوت‌های زیاد این کشورها در یک امر با هم اشتراک دارند و آن هم طیفی از وضعیت نابسامانی است. برخی از جامعه‌شناسان عامل وضعیت نابسامان در این کشورها را نزاع سنت و مدرنیته می‌دانند. پیامدهای منفی وضعیت نابسامانی جوامع در حال توسعه را می‌توان به‌صورت فردگرایی‌های خودخواهانه، ضعف سهم داشت اجتماعی مدنی، تضعیف اخلاق دینی و مدنی و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، پرخاشگری، خودکشی، قتل، جنایت، فرار از خانه، تکدی‌گری، سرقت، روسپیگری و ... مشاهده نمود که بیشترین قربانیان خود را از میان افراد جوان می‌گیرد. این وضعیت نابسامان همه نهادهای اجتماعی از جمله نهاد خانواده را متأثر می‌کند. تجرد، طلاق، تشریفاتی شدن ازدواج، مصرفی شدن و تظاهری شدن زندگی، کالایی شدن روابط و رشد عقلانیت ابزاری و مسائلی از این دست، دامن‌گیر نهاد خانواده امروز است.

از موارد مهمی که افراد در جوامع در حال توسعه با آن درگیر هستند، راهبردهای تصمیم‌گیری و حل مسئله است که هویت و متغیرهای فرهنگی و روانی است. در عرصه مطالعات علوم اجتماعی نظریه‌های گوناگونی در مورد هویت وجود دارد. *Tajfel* هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند. به نظر وی، هویت عبارت است از آن بخش از برداشت یک فرد از خود، که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه (گروه‌های) اجتماعی سرچشمه می‌گیرد (*Golmohammadi, 2007:4*).

اما در جوامعی مانند ایران که نه مدرن است و نه سنتی و نه حتی در حال گذار و بنا به اذعان نویسندگان اجتماعی وضعیت ویژه خود را دارد (*Khaghani, 2019; Katouzian, 2016; Iman, 2017; Riggs, 2006*). مقوله هویت مهمتر است. تضعیف و سستی مبانی نظری رفتار انسان و عدم تعلق به نمادها و عدم ثبات رفتاری آن‌ها، بحران هویت را دامن می‌زند. در این جوامع که از نفوذ سنت‌ها کاسته شده است و از سوی دیگر سنت‌های مدرن به روشنی تحکیم نیافته است، حالتی از سرگردانی در مبانی رفتاری انسان‌ها به وجود می‌آید. در چنین شرایطی است که سرخوردگی‌های روانی، فردگرایی خودخواهانه، بی‌تعهدی، فساد

اخلاقی، هنجارشکنی و اختلال در نظم و کنترل اجتماعی، تخریب منابع و پایمال شدن منافع ملی، خشونت و احساس عدم امنیت، نارضایتی و پدید می‌آید.

سبک‌های هویتی در بستر فرهنگی شکل می‌گیرند، از این‌رو می‌توانند تصمیم‌سازی‌های متفاوتی را رقم بزنند و راهبردهای متفاوتی را در حل مسئله اتخاذ کنند. حل مسئله زمانی اتفاق می‌افتد که راهبردهای تعریف و فرمول‌بندی مسئله، تولید راه‌حل‌های مختلف، تصمیم‌گیری، اجرای راه حل و تثبیت نمودن آن به‌کار گرفته شود (*D'Zurilla, Nezu & Olivares, 2002:50*). سبک‌های هویتی که به اطلاعاتی، آشفته و هنجاری تقسیم می‌شود در این مطالعه به‌عنوان متغیر مستقل مورد مطالعه قرار گرفته است. افراد با سبک هویت اطلاعاتی سخت‌کوش، خودتنظیم‌گر، با عزت نفس بالا، درون‌نگر، دارای منبع کنترل درونی، خودآگاه، دارای قدرت حل مسئله هستند (*Adams, 2002*). افراد با سبک هویت آشفته تصمیم‌گیری‌هایشان عمدتاً با تعلل و مسامحه انجام می شود. منبع کنترل این افراد بیرونی بوده و دارای رفتارهای هیجانی و بدون ثبات هستند (*Adams and Shea, 2002*). افراد دارای سبک هویت هنجاری، به‌طور خودکار ارزش و عقاید افراد مهم را بدون ارزیابی و آگاهانه درونی می‌کنند. تحمل کمی برای مواجه شدن با موقعیت‌های جدید و مبهم دارند و بدون گذراندن دوره‌های اکتشاف، تحقیق و بحران هویت از طریق تقلید از مراجع قدرت مهم به تعهد می‌رسند و از تعهداتشان متعصبانه دفاع می‌کنند (*Dolinger & Dolinger, 2002*).

حضور در اجتماع و ارتباط سازگارانه با افراد جامعه مستلزم برخورداری از مهارت‌های اجتماعی است. *Gresham & Elliot*، مهارت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کنند: رفتارهای کسب شده جامعه‌پسندی که فرد را توانمند می‌سازد تا به گونه‌ای با دیگران در تعامل باشند که واکنش‌های مثبت آنها را فراخوانده و از واکنش‌های منفی آنان اجتناب ورزد. مهارت اجتماعی را می‌توان به‌عنوان توانایی ایجاد انگیزه در تعامل با سایر کنشگران تعریف کرد (*Body & Kendall, 2019:3*). درکل، فقدان مهارت‌های اجتماعی مؤثر می‌تواند به طرد، مشکلات اخلاقی و رفتاری، پرخاشگری (*Ju, Zhang, Deng, 2015*)، مشکلات بین‌فردی، ناسازگاری، افسردگی (*Becker, Jacobs, Reinecke, Silvia & March, 2010*)؛ و گاهی به خودکشی منجر گردد (*Hirsch, Chang & Jeglic, 2012; Sylvia, Kwok, Jerf, Andrew, Herma & Cherry*). از جمله مهارت‌های ضروری در زندگی هر فرد مهارت حل مسئله است. حل مسئله اجتماعی، نوعی تعامل مؤثر با تکالیف پویای محیطی است و فرد تنها در صورتی می‌تواند با محیط خود تنظیم شود که بتواند اطلاعات حاصل از محیط را در یک بازه زمانی مشخص، به‌طور موفقیت‌آمیزی تحلیل نموده و یکپارچه سازد (*Meiner, Greiff,*

(*Gidon & Ricarda, 2016*). حل مسئله اجتماعی به سه نوع اطلاعاتی، اجتنابی و بی‌دقت تقسیم می‌شود. افرادی که راهبرد حل مسئله منطقی اتخاذ می‌کنند هنگام مواجهه با مشکل با دقت نظام‌مند اطلاعات حقایق را جمع‌آوری کرده و موانع خواسته‌ها را تعیین می‌نماید. افرادی که راهبرد حل مسئله بی‌دقت اتخاذ می‌کنند فردی با چنین سبک در حل مسئله، هنگام مواجهه با مشکل با بی‌دقتی، اطلاعات ناکافی و بدون نظم فکری به حل مسئله می‌پردازد. افرادی که راهبرد حل مسئله اجتنابی اتخاذ می‌کنند به جای مواجهه با مسئله از آن اجتناب کرده تا آنجا که ممکن است حل مسئله را به تأخیر می‌اندازد یا طولانی می‌کند (*Dazrila & et. al, 2002*).

محققان بسیاری معتقدند که الگوهای نادرست در پردازش اطلاعات اجتماعی، راهبردهای حل مسئله اجتماعی و استدلال اجتماعی در شکل‌گیری سازش‌نایافتگی، نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند (*Grant, Elliot, Giger & Bartoluci, 2001; Teglasi & Rottman, 2001; Harvey, Fletcher & French, 2001; Pakaslahti, 2000*).

راهبردهای حل مسئله در این تحقیق

حل مسئله در زندگی پس از ازدواج از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. زندگی با فردی از یک بستر فرهنگی و تربیتی متفاوت، رویارویی با مسائلی چون تشریفات ازدواج، فرزندآوری، تربیت فرزند، ارتباطات متکثر خویشاوندی، مسائل مدیریت خانواده، اشتغال، تحصیل، سازگاری و در برخی موارد جدایی از جمله مواردی است که نوع مواجهه افراد با مسائل را حائز اهمیت می‌کند. بر اساس مطالعات نیز، حل مسئله سازنده بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی مردان و زنان دارد (*Abolmaali; Mojtabaei & Rahimi, 2013:575*). تبیین الگوی زندگی اجتماعی دختران و پسران در بعد سبک‌های هویتی با راهبردهای حل مسئله (مانند نوع مواجهه با مسائل، انتخاب استراتژی و ...) ناظر به بافت اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به‌طور کلی و آموزش‌ها و مشاوره‌های قبل و یا بعد از ازدواج به‌صورت خاص دید واقع‌بینانه‌تری ایجاد کند و با دقت بیشتری نسبت به خلأها و نقاط آسیب‌پذیر، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی شود. در همین راستا، این پژوهش با نگاهی جامعه‌شناختی بر متغیرهایی مثل سبک‌های هویت ـ که عمدتاً در روان‌شناسی طرح می‌شود ـ مرتبط با حل مسئله اجتماعی دختران و پسران تمرکز نموده است.

اهداف پژوهش

- بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای با راهبرد حل مسئله در دختران و پسران آماده ازدواج

- بررسی نقش سبک‌های هویت در تبیین راهبردهای حل مسئله در دختران و پسران آماده ازدواج

پیشینه پژوهش

نتایج تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های حل مسئله می‌تواند کیفیت زندگی مادران در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی را با دیابت بارداری بهبود بخشد (*Maki & Khoushechin, 2018*)؛ همچنین نتایج حاکی از این بود که پایگاه هویت پیشرفته با انگیزش پیشرفت رابطه مستقیم و معنی‌دار و پایگاه‌های هویت زودرس و سردرگم با انگیزش پیشرفت رابطه معکوس و معنی‌دار دارند، پایگاه هویت تعویقی با انگیزش پیشرفت رابطه معنی‌دار ندارد، از بین مهارت‌های حل مسئله، درماندگی با انگیزش پیشرفت رابطه معکوس و معنی‌دار و خلاقیت، اعتماد در حل مسئله با انگیزه پیشرفت رابطه معنی‌دار و مستقیم دارند، پایگاه‌های هویت پیشرفته و سردرگم به‌طور معنی‌داری قادر به پیش‌بینی انگیزش پیشرفت می‌باشند، بین مهارت‌های حل مسئله، خلاقیت و انگیزش پیشرفت رابطه خطی معنی‌دار وجود دارد و مهارت‌های حل مسئله، به‌طور معنی‌داری قادر به پیش‌بینی انگیزش پیشرفت می‌باشند (*Aghayousefi & Sharif, 2011; Ghasemi, 2015; Sohrabi, 2014*). سبک هویت سردرگم/ اجتنابی به دلیل کارکرد غیر انطباقی آن در مواجهه با تعارضات و مسائل ماهیتاً نمی‌تواند همبسته عملکرد خردمندانه در حل مسائل باشد و خردمندی نیز به دلیل ماهیت و کارکرد آن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های درازمدت و حفظ مصالح جمعی می‌تواند به‌عنوان همبسته تعهد هویّت لحاظ شود. آموزش مهارت حل مسئله گروهی به‌طور معناداری باعث کاهش بحران هویت نوجوانان شده است (*Taj Javaheri & Fathi Aghdam, 2014*).

نتایج تحقیقات خارجی نیز نشان می‌دهد ناتوانی درحل مسئله اجتماعی می‌تواند پیش بینی‌کننده اضطراب، افسردگی و ناسازگاری مدنی باشد (*Roy, Mette & Nangle, 2020, Hegel, &Fuente, Chang, Cardeñoso & Chang, 2019, Silverstein, Cabral 2018*). همچنین نتایج حاکی از این بوده است، مادرانی که آموزش‌های مهارت‌های حل مسئله فراگرفته‌اند، نسبت به دیگر مادران (گروه کنترل) در مواجهه با مسائل فرزند خود

عملکرد بهتری دارند (*Arsalan, İnanic & Aydos, 2018; Nguyen, Cathina, Diane, Fairclough & Noll, 2016*). یافته‌ها حاکی از این است که بین خودکارآمدی، سرسختی روان‌شناختی و حمایت اجتماعی ادراک شده با بهزیستی روان‌شناختی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (*Şükran & Figen, 2015; Reich, Blackwell, Simmons & Beck, 2015; Schutte &Malouff, Thorsteinsson, 2007*)؛ همچنین روش‌های حل مسئله منطقی می‌تواند رفتارهای پرخطر را مثل مصرف مواد یا الکل را کاهش دهد (*Victoria, Weichold & Silbereisen, 2009*) و توانایی افراد را برای حل مشکل و دریافت حمایت اجتماعی بالا ببرد (*Turner, Macdonald & Somerset, 2008*).

در یک جمع‌بندی کلی از نتایج تحقیقات گذشته می‌توان گفت که مهارت حل مسئله منطقی با کاهش افسردگی، کاهش بحران تاب‌آوری، افزایش اعتماد به نفس، افزایش عزت نفس، جذب حمایت اجتماعی، احساس امنیت رابطه مستقیمی دارد. در یک ارزیابی کلی نیز می‌توان گفت که غالب تحقیقات گذشته در حیطه روانشناسی بدون توجه به بسترهای فرهنگی و هویتی انجام گرفته است. از طرف دیگر غالب تحقیقات در حوزه اثربخشیِ آموزشِ حل مسئله ورود کرده‌اند و به‌صورت کلی بر تأثیر مثبت آموزش حل مسئله بر کاهش افسردگی و اهمال‌کاری و افزایش کارامدی و اعتماد بنفس و تاب‌آوری و ... تمرکز کرده‌اند. همچنین بیشتر تحقیقات گذشته زنان را به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب کرده‌اند، در حالیکه تحقیق پیش رو سعی دارد با رویکرد روانشناسی اجتماعی به تبیین انواع راهبردهای حل مسئله ناظر به مسائل هویتی و فرهنگی و بر نمونه‌ای از زنان و مردان بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران رشته‌های روانشناسی، روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات خانواده، خانواده درمانی و ارتباطات با توجه به علائق و تعلقات نظری خود به جنبه‌های گوناگون حل مسئله توجه کرده‌اند، روانشناسان بر مقایسه مزیت‌های حل مسئله گروهی و فردی و اینکه افراد چگونه مسائل خود را حل می‌کنند، تأکید داشته‌اند و جامعه‌شناسان بیشتر به دنبال ایجاد تغییراتی در فرایند حل مسئله و مرحله‌بندی این فرایند در گروه‌های حل مسئله بوده‌اند یک محور مشترک این دو رشته بررسی عوامل تأثیرگذار بر حل مسئله بوده است (*Aldes & Geni, 1989:871*).

Hughes & Estrada (2018) معتقدند فرایند حل مسئله می‌تواند به‌عنوان توانایی انجام اقدامات لازم برای دستیابی به یک هدف مشخص تعریف شود. غالباً مراحل درگیر در

مسئله حل مسئله ناشناخته است و ممکن است برای دستیابی به هدف نیاز به دستور خاصی باشد. اگر چه مشکلات در تعداد راه حل‌های ممکن متفاوت هستند، برخی از مشکلات فقط یک راه حل مناسب دارند در حالی که برخی دیگر راه حل‌های قابل قبولی دارند. فرایند حل مسئله، فرد را ملزم می‌کند که اقدامات خود را از بین تعداد بی‌پایان اقدامات ممکن انتخاب کند.

رویکرد رفتارگرایی[1]

رفتارگرایان حل مسئله را آموختنی می‌دانند و تمرکز آنها بر فرایند پاسخ در حل مسئله است. طبق این نظریه، هر مسئله به‌عنوان یک محرک قلمداد می‌شود که مجموعه‌ای از پاسخ‌ها را برمی‌انگیزد که هر یک از این پاسخ‌ها در مقابل آن محرک، نیرومندی خاص خود را دارد و پاسخ‌هایی که بیش از همه تقویت شده‌اند، در بیشترین مرتبه با مسئله مرتبط می‌شوند. به نظر می‌رسد این دیدگاه نتواند برای مسائل پیچیده که متضمن عناصر و ارتباطات پیچیده‌ای است، کفایت کند (*Sabouri & et. al, 2015:58*).

رویکرد شناختی[2]

حل مسئله در این دیدگاه جستجوی ذهنی مسئله و انتقال از یک حالت تحسین شروع کرده و از یک حالت به حالت دیگر در جستجوی حالت نهایی حرکت می‌کند تا به هدف خود یعنی حل مسئله برسد. حل مسئله عملی هدفمند است که در آن حل‌کننده مسئله جهت رسیدن به هدف نهایی، هدف‌های پایین‌تری را جستجو و طی می‌نماید و روش او در حل مسئله ممکن است روشمند یا اکتشافی باشد (*Sabouri & et. al, 2015:59*).

رویکرد گشتالت[3]

بینش که مفهوم کلیدی نظریه گشتالت است برای توضیح فرآیند حل مسئله حلقه اتصال تجارب گذشته و موقعیت جدید را فراهم می‌کند. آزمودنی بدون رسیدن به سازمان تجارب گذشته در ساختاری مرتبط با موقعیت جدید نمی‌تواند به حل مسئله دست یازد. بینش معمولاً حاصل نگاه دیگر به حل مسئله است (*Habibikhah, 2017:20*).

---

[1] behaviorism approach
[2] cognitive approach
[3] gestalt approach

رویکرد اجتماعی[1]

حل مسائل اجتماعی مشابه حل مسئله است و فقط در زمینه‌های روابط بین فردی و اجتماعی به کار برده می‌شود (*Dalberg & et. al, 2008*). الگوی حل مسئله اجتماعی دزریلا یکی از جامع‌ترین الگوهای حل مسئله اجتماعی است. بر اساس دیدگاه دزریلا و *Guilford*، تعاملی است که از دو مؤلفه اصلی نسبتاً مستقل تشکیل شده است.

سبک حل مسئله، یک الگوی ویژه از کنش‌ها و افکار است در افرادی که برای حل مسئله معینی تلاش می‌کنند، مشاهده می‌شود (*Dazrila & et. al, 2002*). این دو اندیشمند سه سبک یا راهبرد را در حل مسئله طرح می‌کنند.

۱- راهبرد منطقی[2]

حل منطقی مسئله بعد سازنده‌ای است که ممکن است به‌عنوان یک اصل منطقی، خردمندانه، نظام‌مند، مهارتی کارا و تطبیقی در حل مسئله توصیف شد. فردی با چنین سبک در حل مسئله، هنگام مواجهه با مشکل با دقت نظام‌مند اطلاعات حقایق را جمع‌آوری کرده و موانع خواسته‌ها را تعیین می‌نماید. هدفی را مشخص کرده، راه‌حل‌های جایگزین را پیش‌بینی و عواقب احتمالی را ارزیابی می‌کند. در مورد جایگزین‌ها قضاوت و مقایسه نموده سپس همان‌طور که راه حل را انتخاب و اجرا می‌نماید، نتایج به‌دست آمده را به دقت ارزیابی می‌کند. این سبک دارای جهت‌گیری مثبت نسبت به حل مسئله است.

۲- راهبرد بی‌دقت[3]

شیوه بی‌دقتی تکانش‌گری یک الگوی نارسای حل مسئله است. ویژگی آن تلاش بسیار برای استفاده از تکنیک‌ها راهبردهای حل مسئله است، اگر چه این تلاش‌ها، کوته‌بینانه، شتاب‌زده، بی‌دقت، عجولانه ناکامل هستند. شخصی که در این بعد قرار می‌گیرد تنها جایگزین‌های معدودی در نظر می‌گیرد. اغلب شتاب‌زده به اولین فکری که به ذهنش می‌رسد، رجوع کرده، سریع، بی‌دقت نامنظم، جایگزین‌ها و عواقب را از نظر می‌گذراند. نتایج بی‌دقت و نامناسب مورد ارزیابی نظارت قرار می‌گیرند. این سبک دارای جهت‌گیری منفی نسبت به حل مسئله است.

---

[1] social approach
[2] logical style
[3] impulsive style

۳- راهبرد اجتنابی[1]

شیوه اجتناب، الگوی دیگر حل مسئله است که ویژگی آن تعلل، مسامحه و وابستگی است. شخصی که در این مقیاس نمره بالایی می‌گیرد، به جای مواجهه با مسئله از آن اجتناب کرده تا آنجا که ممکن است حل مسئله را به تأخیر می‌اندازد یا طولانی می‌کند. امیدوار است که مسائل خود حل شوند تلاشش بر واگذاری مسائل به دیگران متمرکز است (*Morera, 2006*). این سبک دارای جهت‌گیری منفی نسبت به حل مسئله است.

چارچوب مفهومی پژوهش

اگر چه با رجوع به فعالیت‌های علمی موجود می‌توان به مدل‌های مفهومی پیرامون مسئله و حل مسئله به صورت کلی دست یافت اما تا کنون تلاش سازمان‌یافته جامعه‌شناختی در مورد راهبردهای افراد در حل مسئله صورت نگرفته است. اغلب دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه شناخت اجتماعی، خانواده درمانی، روان‌شناسی کودک و بیماری بوده است. در واقع غالب نظریه‌پردازان حل مسئله بر فرد و فرایندهای شناختی او تمرکز داشته‌اند، از آنجا که بسیاری از فرایندهای حل مسئله در موقعیت‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد، لذا محققان با پی‌ریزی مفهوم حل مسئله اجتماعی سعی در تبیین آن برآمدند (*Dazirel, 2007*). دزریلا و گلدفرید با تلفیق نتایج پژوهش‌های گذشته به الگوی مناسبی برای حل مسئله اجتماعی دست یافتند که بر روابط میان فردی و اجتماعی تأکید دارد و یکی از جامع‌ترین راهبردهای حل مسئله اجتماعی است و علاوه بر آن به دلیل ساختار جمعی که دارد مستلزم درک همدلانه افراد است تا مناسب‌ترین راهکار در هر شرایطی اتخاذ گردد (*Abolmaali & et. al, 2012; Siu & Shek, 2005*). در این پژوهش حل مسئله به‌عنوان یک عمل اجتماعی از زاویه نگاه پیربوردیو نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. وی با نفی ضرورت‌گرایی از یک سوی و اراده‌گرایی از سوی دیگر، نظریه عمل خود را مبتنی بر نوعی رویکرد رابطه‌ای فراهم آورد (*Bourdieu, 1993: 75*). در حقیقت، نظریه عمل بوردیو براساس مفهوم منش و تعامل آن با مفهوم میدان سعی در ارائه اصول مولد رفتار انسانی دارد. از این‌رو در این پژوهش از چارچوب مفهومی ترکیبی نظریه دزریلا و بوردیو استفاده می‌شود.

حل مسئله به‌عنوان یک مهارت اجتماعی در فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و عوامل متعددی در آن مؤثرند از جمله متغیرهای فردی، عوامل زیست‌شناختی، خانواده، مدرسه،

[1] avoidance style

مذهب و ملیت، گروه‌ها و رسانه‌های گروهی (منابع هویت‌ساز) هستند که در هر رده سنی و شرایط محیطی نقش هر کدام از این عوامل، متغیر و مهم به شمار می‌آید. در سنین پایین‌تر نقش عوامل شناختی، رشد و خانواده مهم‌تر از سنین بالاتر است (که تحقیقات روانشناسی را می‌طلبد) و در سنین بالاتر عوامل فراخانوادگی مثل گروه‌ها، همسالان، مدرسه، دوستان، مذهب، رسانه‌های گروهی و محیط اجتماعی بیشتر می‌شود که بایست با بینش جامعه‌شناسی به این حوزه‌ها ورود کرد (*Keegan & et. al, 2005*)؛ بنابراین طبق این دیدگاه، حل مسئله زنان و مردان آماده ازدواج بیش از عوامل شناختی، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی است. بر اساس رویکرد دزریلا افرادی که از راهبرد حل منطقی استفاده می‌کنند بیش از دیگران هستی‌شناسی عقلانی خود را بروز می‌دهند و در واقع دارای سبک هویتی اطلاعاتی هستند. به بیان *Ericsson & Marcia* این نوع از حل مسئله در افرادی دیده می‌شود که به لحاظ هویتی آگاهانه و فعالانه به جستجوی اطلاعات پردازش آن می‌پردازند. آنان افرادی سخت‌کوش، دارای قدرت حل مسئله، کنترل درونی، خودآگاه، عزت نفس بالا، پیچیدگی شناختی هستند (*Adams & Berzonsk, 2003*).

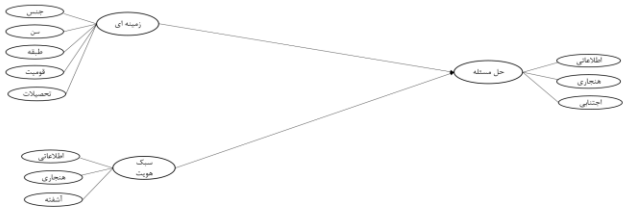
بوردیو[1] به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان معاصر در تبیین منطق عمل معتقد است که یک عمل اجتماعی چون حل مسئله نه پیامد ساختارهای متعین است که بنا بر عللی به وجود آمده باشد و نه نتیجه منطقی انتخاب عقلانی که بر دلایل خود استوار است، بلکه همجوشی ساختار و عاملیت، زمینه‌ساز عمل می‌باشد؛ چرا که موقعیت عامل در فضای اجتماعی یا به عبارت دقیق‌تر، ویژگی‌های فضا در تبیین رفتار مؤثر هستند (*Bourdieu, 1990:50*). چنین عملی ذاتاً راهبردی[2] است و کنشگران را قادر می‌سازد تا راه خود را عملاً از طریق ساختار اجتماعی پیدا کنند، بدون اینکه به آن وابسته باشند و ساختار آن‌ها را به عملی خاص رهنمون گردد (*Robbins, 2000:79*). از این جهت به جای استفاده از مفاهیمی چون الگوی یا قاعده از مفهوم راهبرد حل مسئله استفاده می‌شود؛ که نشانگر راهبردهای رابطه‌ای ساختار و عامل باشد. باید در نظر داشت سبک‌های هویتی تحت تأثیر فرایند جهانی شدن از طریق فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، می‌توانند دگرگون می‌شوند. تحولات ایجاد شده نه تنها زندگی مادی، بلکه ابعاد غیر مادی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. فاصله گرفتن انسان‌ها از منابع هویت‌ساز سنتی و روی آوردن به شیوه‌های جدید زندگی و تفکر (بازاندیشی)، از جمله عواملی است که تعریف کیستی و فرایندهای تصمیم‌گیری و حل

[1] Bourdieu
[2] Strategic

مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بازاندیشی به مثابه سازکاری عمل می‌کند که به تسهیل سازگاری سیستم با محیط منجر می‌شود. افزایش جریان‌های جهانی تصویرها، ایده‌ها و فرهنگ توده‌ای مصرف که با تغییرات ارتباطی همراه می‌شوند، وضعیت را تشدید می‌کنند. قدرت اتصال‌دهنده سنت و ساختارهای اجتماعی فروکش کرده است و این خود فقدان ساختارهای اجتماعی است که به خصیصه ساختار اجتماعی تبدیل شده و به شکل جامعه فراسنتی و فردیت بخش درآمده است (*Adams, 2006*).

فرضیات پژوهش

- بین راهبردهای حل مسئله با متغیرهای زمینه‌ای (سن، قومیت، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و ...) در دختران و پسران آماده ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین راهبردهای حل مسئله با سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی) در دختران و پسران آماده ازدواج رابطه وجود دارد.



شکل ۱: مدل تحقیق

Figure 1: *Research Model*

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق با رویکرد کمی و روش پیمایش انجام شده است. ابزار گردآوری در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. فرم پرسشنامه حل مسئله اجتماعی (*Dazrila & et. al, 2002*)، پرسشنامه استاندارد سبک هویت (*Berzonsky, 1992*)، طراحی شده است. پرسشنامه بازاندیشی به‌صورت محقق ساخته و متناسب با متغیر وابسته تحقیق طراحی خواهد شد.

جامعه آماری شامل تمامی دختران و پسران آماده ازدواج شهر شیراز می‌باشد که در مرکز مشاوره قبل از ازدواج در (بهارنکو) حضور پیدا کرده‌اند[۱]. در این پژوهش از روش از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. به این ترتیب که روزهای مراجعه به مرکز بهارنکو و انتخاب کلاس‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند و در هر کلاس با استفاده پرسشنامه‌ها پر شدند. حجم نمونه آماری در هر دو بخش با استفاده از فرمول کوکران به‌دست آمده است. طبق گزارش سایت سازمان آمار جمعیت زنان و مردان در شیراز ۱۶۰۳۴۱۶ نفر هستند. طبق فرمول کوکران نمونه مورد مطالعه ۳۸۳ نفر می‌باشد. البته برای بالا بردن سطح اطمینان حجم نمونه را تا دو و نیم برابر افزایش دادیم و نهایتاً ۹۱۲ پرسشنامه در شیراز پر شد. ابزار تجزیه و تحلیل در این بررسی نرم‌افزار آماری *SPSS* بوده است که با توجه به سطح سنجش متغیرهای از آماره‌های مناسب استفاده گردیده است.

روایی[۲] ابزار سنجش

در این پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است اما برای بررسی بیشتر میزان دقت شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به هر متغیر و سنجش روایی کل پرسشنامه از اعتبار صوری[۳] استفاده گردید. به این صورت که تعاریف مفاهیم و متغیرها به کارشناسان مورد نظر، اساتید جامعه‌شناسی می‌باشند عرضه شد که نظر آن‌ها مبنی بر تأیید اعتبار پرسشنامه بود.

پایایی[۴] ابزار سنجش

برای سنجش پایایی مقیاس‌های مورد استفاده در ابتدا ۶۰ پرسشنامه به‌طور آزمایشی مورد بررسی قرار گرفت داده‌های به دست آماده در نرم‌افزار *SPSS* با آلفای کرونباخ بررسی گردید. پس از بررسی پایایی در مرحله اولیه و اصلاح ابزار سنجش، پرسشنامه نهایی تغیر و داده‌ها جمع‌آوری گردید. ضرایب به دست آمده در جدول ۱ آمده است.

---

[۱] در شیراز و غالب شهرستان‌های استان فارس، همه افراد قبل از عقد محضری موظف به شرکت در این دوره‌های آموزش خانواده در مرکز بهارنکو هستند.

[2] validity
[3] face validity
[4] reliability

جدول ۱: پایایی مقیاس‌های مورد استفاده

Table 1: *Reliability of the Scales Used*

سازه	حل مسئله (منطقی)	حل مسئله (بی‌دقت)	حل مسئله (آشفته)	سبک هویت (اطلاعاتی)	سبک هویت (هنجاری)	سبک هویت (آشفته)
Structure	*Problem Solving (Logical)*	*Problem Solving (Inaccurate)*	*Problem Solving (Chaotic)*	*Identity Style (Informational)*	*Identity Style (Normative)*	*Identity Style (Chaotic)*
تعداد گویه	۷	۴	۶	۱۰	۸	۱۰
میزان آلفای کرونباخ	۰/۸۱۶	۰/۷۶۷	۰/۸۰۱	۰/۷۴۱	۰/۷۰۰	۰/۸۱۳

تعاریف عملیاتی متغیرها

حل مسئله اجتماعی: مجموعه فعالیت‌ها و روش‌هایی که افراد در مواجهه با موقعیت‌های پیچیده زندگی انجام می‌دهند. که به سه راهبرد تقسیم می‌شود:

۱- حل مسئله منطقی: مقایسه راه حل‌ها، در نظر گرفتن هدف، در نظر گرفتن موانع رسیدن به هدف، وقت گذاشتن برای حل مسئله و دقت در گزینش راه حل مناسب از مصدایق شاخص‌های عملی حل مسئله منطقی است.

۲- *حل مسئله بی‌دقت:* مواجهه کوته‌بینانه، شتاب‌زده، بی‌دقت، عجولانه ناکامل با مسائل زندگی از مصادیق شاخص‌های عملی حل مسئله بی‌دقت است.

۳- *حل مسئله اجتنابی:* ناآگاهی از مسئله، به تأخیر انداختن حل مسئله، واگذاری حل مسئله به دیگران، فکر نکردن به مشکلات از مصدایق عملی این سبک از حل مسئله است.

سبک‌های هویت: عبارت است از اینکه افراد چگونه اطلاعات مربوط به خود را پردازش می‌کنند (*Berzonsky, 1990*). چگونه درباره اطلاعات مربوط به خود و موضوعات هویتی بحث گفتگو می‌کنند و تصمیم می‌گیرند؛ که در سه بعد سنجیده می‌شود.

۱- سبک هویت اطلاعاتی: شاخص عملیاتی این هویت کنکاش‌هایشان هدفمند است، ارزیابی و نقادی در تفکر دارند و از اطلاعات مربوط به خویش بهره می‌گیرند. این سبک با ویژگی‌هایی همچون مسئله‌مداری، هوشیاری در تصمیم‌گیری، خود اکتشافی مستمر، استقلال در قضاوت، باز بودن در تجارب، پیچیدگی شناخت، خردگرایی و درون‌نگری رابطه دارد. تحقیقات نشان داده است که افرادی که از این سبک هویت استفاده می‌کنند نسبت به

دیگران از آمادگی بیشتری برای حل مسائل و مشکلات شخصی برخوردارند و راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر مسئله استفاده می‌کنند.

۲- *سبک هویت هنجاری:* از شاخص‌های عملیاتی این سبک می‌توان به پذیرش گروه مرجع اشاره کرد. آنها به‌طور خودکار ارزش‌ها و عقاید را بدون ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند. تحمل کمی برای برای مواجه شدن با موقعیت‌های جدید و مبهم دارند و نیاز بالایی برای بسته نگه داشتن ساختار خود نشان می‌دهند. در این سبک فرد در برخورد با مسائل به شیوه واکنشی عمل می‌کند. هماهنگ با انتظارات و تجویزهای گروه‌های مرجع و دیگران مهم عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون خود ارزیابی ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کنند.

۳- *سبک هویت آشفته:* به حالت بلاتکلیفی در زندگی اطلاق می‌شود. در این وضعیت تعهدات نسبت به هر شخص یا مجموعه‌ای از باورها و اصول اگر وجود داشته باشد بسیار کم است. در عوض، تأکید عمده بر نسبت و غنیمت شمردن لحظه است. فرد در هیچ حوزه‌ای از لذت فردی چشم‌پوشی نمی‌کند. هسته اصلی در شخصیت فرد وجود ندارد، نقش اجتماعی آزموده شده و سریع رها می‌شود، شخص بدون تکلیف و سرگردان به نظر می‌رسد در وضعیت گم‌گشتگی یا سر در گمی هویت، فرد هیچ‌گونه انتخاب ثابتی در مورد تعهدات خود ندارد و به جستجوی اکتشاف نمی‌پردازد. معمولاً پیش از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند. از دیگر شاخصه‌های عملی افرادی که در این سبک هویت قرار دارند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ۹۱۲ نمونه مورد بررسی قرار گرفت که ۵۹۶ نفر از این تعداد زن و ۳۱۶ نفر مرد بودند. همچنین ۱۵۸ نفر زیر ۲۰ سال، ۶۵۱ نفر بین ۲۱ تا ۳۵ سال و ۱۰۳ نفر بالای ۳۵ سال سن داشتند. کم‌سن‌ترین فرد در این پیمایش ۱۳ساله و مسن‌ترین فرد ۶۸ ساله بود. از بین افراد شرکت‌کننده در این پیمایش، ۶۴۷ نفر از قومیت فارس، ۸۶ نفر از قومیت لر، ۱۱۷ نفر ترک و ۳۵ نفر از سایر قومیت‌ها بودند. از بین ۹۱۲ نفر ۲ نفر بی‌سواد، ۱۰۷ نفر زیر دیپلم، ۲۶۷ نفر دیپلم، ۷۶ نفر در مقطع کاردانی، ۳۵۳ نفر کارشناسی، ۸۵ نفر کارشناسی ارشد و ۲۲ نفر در مقطع دکتری تحصیلات داشته‌اند.

در بین متغیرهای زمینه‌ای آزمون تفاوت میانگین در گروه‌های جنسی، قومی معنادار نبود. اما گروه سنی زیر بیست سال غالباً راهبردهای اجتنابی در حل مسئله اتخاذ می‌کنند و

این تفاوت میانگین نسبت به سایر گروه‌های سنی معنا دارد نبود. افراد از طبقات پایین بیشتر از راهبرد حل مسئله بی‌دقت استفاده می‌کنند اما تفاوت میانگین در سایر طبقات اجتماعی معنادار نبود؛ همچنین افراد بی‌سواد به صورت معناداری از حل مسئله اجتنابی و بی‌دقت استفاده می‌کنند؛ اما طبق جدول ۲ سبک هویت اطلاعاتی با حل مسئله منطقی رابطه مثبت و با راهبرد حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی عدم رابطه معنادار را نشان می‌دهد. سبک هویت هنجاری نیز با راهبرد حل مسئله منطقی و بی‌دقت رابطه مثبت و با راهبرد اجتنابی عدم رابطه معنادار نشان می‌دهد. سبک هویت آشفته با راهبرد حل مسئله منطقی رابطه معنی‌داری، ندارد اما با حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی دارای رابطه معنادار است.

جدول ۲: تحلیل همبستگی بین راهبردهای حل مسئله و سبک‌های هویتی و ابعاد آن

Table 2: *Correlation Analysis between Problem-Solving Strategies and Identity Styles and Their Dimensions*

متغیر	همبستگی	منطقی	بی‌دقت	اجتنابی
Variable	*Correlation*	*Rational*	*Careless*	*Avoidant*
اطلاعاتی	ضریب همبستگی	۰/۵۳۳	-۰/۰۲۹	۰/۰۰۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۳۸۷	۰/۸۶۴
هنجاری	ضریب همبستگی	۰/۳۸۰	۰/۱۰۰	۰/۰۳۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۳۶۳
آشفته	ضریب همبستگی	۰/۰۴۸	۰/۴۲۱	۰/۳۷۲
	سطح معناداری	۰/۱۴۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون چند متغیره

جدول ۳ با استفاده از معادله رگرسیون چند متغیره و به روش گام به گام به تبیین متغیر وابسته می‌پردازد. از بین متغیرها، ابعاد سبک‌های هویت، تحصیلات پاسخگویان، طبقه اجتماعی خوداظهاری (پایین، متوسط رو به پایین، متوسطه رو بالا، بالا) و جنسیت وارد معادله شده‌اند. مقادیر R^2 (ضریب تعیین) نشان می‌دهد که با متغیر سبک هویت اطلاعاتی همبستگی مثبت با حل مسئله منطقی نشان می‌دهد و با ورود این متغیر، ۰/۲۸۳ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین می‌شود. یافته‌ها بیان‌گر آن است که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در آنها قوی‌تر است، بیشتر راهبرد حل مسئله منطقی اتخاذ می‌کنند. در نهایت، با ورود چهار متغیر، واریانس تبیین شده به ۰/۳۰۳ درصد رسیده است. مقادیر R^2 (ضریب تعیین) نشان می‌دهد که با متغیر سبک هویت آشفته همبستگی مثبت با حل مسئله بی‌دقت

نشان می‌دهد و با ورود این متغیر، ۰/۱۷۶ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین می‌شود. یافته‌ها بیانگر آن است که سبک هویت آشفته، طبقه و جنسیت بیشتر قدرت تبیین‌کنندگی را دارند. در نهایت، با ورود سه متغیر، واریانس تبیین شده به ۰/۱۸۸ درصد رسیده است. مقادیر R^2 (ضریب تعیین) نشان می‌دهد که با متغیر سبک هویت آشفته همبستگی مثبت با حل مسئله اجتنابی نشان می‌دهد و با ورود این متغیر، ۰/۱۳۸ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین می‌شود. یافته‌ها بیان‌گر آن است که سبک هویت آشفته، طبقه و تحصیلات قدرت تبیین‌کنندگی متغیر وابسته را دارا هستند. در نهایت، با ورود سه متغیر، واریانس تبیین شده به ۰/۱۴۷ درصد رسیده است.

جدول ۳: عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته

Table 3: *Main Elements of Multivariate Analysis Using Stepwise Method for Predicting Dependent Variable*

حل مسئله	مرحله	متغیر وارد شده	R	R^2	مقدار تعدیل شده R^2	B	β	F	سطح معناداری
Problem Solving	*Step*	*Variable Entered*	R	R^2	*Adjusted Value* R^2	B	β	F	*Sig.*
منطقی	۱	سبک هویت اطلاعاتی	۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۰/۲۸۳	۰/۳۲۹	۰/۴۵۷	۳۵۹/۵۳۴	۰/۰۰۰
	۲	سبک هویت هنجاری	۰/۵۴۴	۰/۲۹۶	۰/۲۹۵	۰/۱۱۰	۰/۱۳۸	۱۹۰/۹۴۶	۰/۰۰۰
	۳	تحصیلات پاسخگو	۰/۵۴۸	۰/۳۰۰	۰/۲۹۸	-۰/۱۵۹	-۰/۰۶۴	۱۲۹/۵۳۲	۰/۰۰۰
	۴	سن پاسخگو	۰/۵۵۰	۰/۳۰۳	۰/۳۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۵۶	۹۸/۴۸۳	۰/۰۰۰
بی‌دقت	۱	سبک هویت آشفته	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۰/۱۷۶	۷/۵۶۰	۰/۴۲۱	۱۹۵/۸۸۱	۰/۰۰۰
	۲	طبقه	۰/۴۳۰	۰/۱۸۵	۰/۱۸۳	۹/۰۰۳	۰/۴۱۵	۱۰۳/۱۱۱	۰/۰۰۰
	۳	جنسیت	۰/۴۳۷	۰/۱۹۱	۰/۱۸۸	۸/۱۴۹	۰/۴۱۱	۷۱/۳۷۱	۰/۰۰۰
اجتنابی	۱	سبک هویت آشفته	۰/۳۷۲	۰/۱۳۹	۰/۱۳۸	۱۴۶/۵۳۰	۰/۲۱۰	۰/۳۶۴	۰/۰۰۰
	۲	طبقه	۰/۳۸۱	۰/۱۴۵	۰/۱۴۳	۷۷/۲۳۴	-۰/۵۷۲	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۰
	۳	جنسیت	۰/۳۸۷	۰/۱۵۰	۰/۱۴۷	۵۳/۴۲۳	۰/۵۸۳	۰/۰۷۰	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تبیین جامعه‌شناختی حل مسئله اجتماعی زنان و مردان آماده ازدواج پرداخته شد. متغیرهای مستقل شامل جنس، سن، تحصیلات، قومیت، طبقه اجتماعی و سبک‌های هویت بود. متغیر وابسته راهبردهای حل مسئله اجتماعی است که به ابعاد حل مسئله منطقی، حل مسئله بی‌دقت و حل مسئله اجتنابی تقسیم می‌شود.

از بین متغیرهای مستقل متغیر، راهبردهای حل مسئله در گروه‌های سنی، جنسی و قومی رابطه معناداری تفاوت معناداری ندارد. این نتیجه در راستای تحقیق هاشمی (۱۳۹۴) است. *Archer (1994)* عنوان کرده است زنان و مردان با تکالیف هویتی در حیطه‌های گوناگون زندگی به شکلی مشابه رفتار می‌کنند (*Moshman, 2005*).

میزان راهبردهای حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی بر حسب طبقه اجتماعی با توجه به میانگین‌ها تفاوت دارند. با این توضیح که افراد در طبقه‌های پایین اجتماعی بیشتر از راهبرد حل مسئله اجتماعی بی‌دقت و اجتنابی استفاده می‌کنند. این نتایج در راستای پژوهش‌های آلدس و گنی (۱۹۸۹) و تالمن و میلر (۱۹۷۱) است. میزان راهبرد حل مسئله بی‌دقت در شیراز بر حسب تحصیلات با توجه به میانگین‌ها تفاوت معناداری دارند. در راستای تحقیقات گذشته مثل پریدهام، دنی پاسکوچیو و کریزی (۱۹۹۵)، افراد بی‌سواد در شیراز بیشتر از سایر گروه‌ها راهبردهای حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی استفاده می‌کنند. این نتیجه در راستای تحقیق سجادی‌نژاد و اکبری چرمهینی (۱۳۹۸) و سجادی‌نژاد، کلوانی، فلاحتی و کاظمی (۱۳۹۲) است. به نظر می‌رسد ضعف دانش مرتبط با خردمندی در فرایند حل مسئله تا اندازه‌ای مرتبط با سطح رشد شناختی افراد است. ارائه تفکر خردمندانه مستلزم سطحی از کارکرد شناختی است که فراتر از منطق صوری است. تفکری که از امتزاج دانش آشکار و عینی با تجربه‌های شهودی و انگیزش‌های فردی حاصل شده است و ماهیتی دیالکتیکی دارد.

سبک هویت اطلاعاتی با اتخاذ راهبرد حل مسئله منطقی دارای رابطه معنادار است و با سایر راهبردها رابطه معنادار نشان نمی‌دهد. سبک هویت هنجاری با اتخاذ راهبرد حل مسئله منطقی و بی‌دقت دارای رابطه معنادار و سبک هویت آشفته با اتخاذ راهبرد حل مسئله بی‌دقت و اجتنابی دارای رابطه معنادار است. سبک‌های هویت در تحقیقات دیگری از جمله قاسمی (۱۳۹۴)، هاشمی (۱۳۹۴)، میر عرب، رضی و جعفری (۱۳۹۴)، تبیین‌گر راهبردهای حل مسئله بوده‌اند. چرا که بیشتر در معرض بازاندیشی اجتماعی‌اند یعنی متناسب با باورهای خود عمل می‌کنند. آنان در مورد مشاهدات خود با تردید برخورد کرده، تمایل دارند قضاوت

در مورد رخدادهای اطرافشان را به تعویق بیندازند تا در زمانی مناسب اطلاعات خود را ارزیابی تحلیل نمایند (*Hosseini, 2009:81*).

نتایج رگرسیون گام به گام بیانگر آن است کسانی که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در آنها قوی‌تر است، بیشتر راهبرد حل مسئله منطقی اتخاذ می‌کنند. در نهایت، با ورود چهار متغیر، واریانس تبیین شده به ۰/۳۰۳ درصد رسیده است. *Assmann (1994)* معتقد است حل منطقی مسائل و خردمندی یک منبع انسانی است که همبسته و پیامد ذاتی از جنبه‌های رشد موفق است به‌طوری که هم در زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی دارای کارکرد است (*Kunzmann & Baltes, 2005*). نتایج دیگر بیان‌گر آن است که سبک هویت آشفته، طبقه و جنسیت بیشتر قدرت تبیین‌کنندگی را حل مسئله بی‌دقت را دارند و سبک هویت آشفته، طبقه و تحصیلات نیز دارای قدرت تبیین‌کنندگی متغییر حل مسئله اجتنابی هستند. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد، راه حل‌هایی که فرد هنگام مواجه شدن با موقعیت‌های مسئله‌دار استفاده می‌کند، همان‌گونه که زمینه‌های اجتماعی در آن دخیل هستند اما می‌تواند به اتخاذ نوعی سبک زندگی مبتنی بر خلاقیت یا استیصال منجر می‌شود که از جمله تعیین‌کننده‌های سطح بهزیستی شخصی به حساب می‌آید.

References:

Abdollahy, M. (2004). "Women and Civil Institutions: Issues, Obstacles and Strategies for Women's Civil Social Participation in Iran", Journal of Iranian Sociology. (2)5, 62-99. (Persian).

Abolmaali, Kh., Mojtabaei, M. and Rahimi, N. (2013). "Predicting marital satisfaction based on social problem-solving skills and spiritual intelligence in married individuals", Journal of Behavioral Sciences, (24)2, 117-124. (Persian).

Adams, G. R. Berzonsky, M.D. (2003). Blackwell Handbook of Adolescence, Oxford: Blackwell.

Adams, M. (2006). "Hybridizing Habitus and Reflexivity: Towards an Understanding of Contemporary Identity?", Sociology, No. 40 (3), p 511-528.

Agha Yousefi, A., Sharif, N. (2011). "The relationship between problem-solving styles and personal well-being in students", Thought and Behavior in Clinical Psychology, (22)6, 79-88. (Persian).

Ahmadi, S., & Farhadi, A. (2017). "Investigating the relationship between problem-solving skills and sense of security among women", Strategic Research on Iranian Social Issues, (2)6, 33-44. (Persian).

Aldous, J., Geney, R. (1989). "Families definition behavior of problematic situations", Social Forces, Vol. 64, pp. 871-897.

Arsalan, B. F., İnanc, B. Y., & Aydos, S. (2018). "The investigation of social problem solving physically disabled children by the use of quast-experimental method", The Online Journal of Science and Technology-January, 8(1), ability of mothere with.

Becker-Weidman, E. G. Jacobs, R. H. Reinecke, M. A. Silva, S. G. & March, J. S. (2010). "Social problem-solving among adolescents treated for depression", Behaviour Research and Therapy, 48, 11-18.

Berzonsky, D. M. (1990). "Self-Construction over the Life-Span: A Process Perspective on Identity Formation", in G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), Advances in Personal Construct Psychology, 1: 155–186.

Body, A., & Kendall, J. (2019). “Expansive opportunity makers but selective opportunity takers? Positional agility and tactical social skill in English third sector social service”, Journal of Civil Society.

Bourdieu, P. (1990). The Logic of Practice, Polity Press.

D’Zurilla, T. J.; Nezu, A.M. and Maydeu-Olivares, A. (2002). “Social Problem-SolvingInventory-Revised”, Technical Manual. North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems.

Fuente, A., Chang, E. C., Cardenoso, O., & Chang, O. D. (2019). “The psychological impact of social problem solving under stress in adults: Debased life satisfaction”, heightened depressed mood, or both?, Personality and Individual Differences, 146, 46-52.

Golmohammadi, A. (2007). "Globalization of Culture, Identity", Tehran: Nei Publishing. (Persian).

Grant, S., Elliot, R., Giger, N. & Bartoluci, A. (2001). “Social problem solving abilities, social support, and adjustment among family caregivers individuals with a stroke”, Journal of rehabilitation psychology, 46 (1), 44-57.

Harvey, R., Fletcher, J. & French, D. (2001). “Social reasoning: a source of influence on aggression”, Clinical Psychology Review, 21,494-527.

Hashemi, S. (2014). “Study of students' identity and commitment styles based on the Bruzensky identity construction model and its relationship with rationality in the problem-solving process”, Psychological Studies, 10(1), 109-136. (Persian).

Hirsch, J. K. Chang, E. C. & Jeglic, E. L. (2012). “Social problem-solving and suicidal behavior: Ethnic differences in the moderating effects of loneliness and life stress”, Archives of Suicide Research, 16(4), 303-315.

Homayoun Katouzian, M. (2016). Iran: A Short-Term Society and 3 other articles, Abdullah Kowsari, Tehran: Nay Publishing. (Persian).

Hughes C., Estrada J. (2018). Problem solving, in: Kreutzer J. S., DeLuca J., Caplan B. (eds) Encyclopedia of Clinical Neuropsychology. Springer, Cham.

Iman, M., Mofid, A. (2017). “Paradigms of Modern Sociology; Rationality and Creativity in Sociology”, Lecture by Mohammad

Taghi Iman in the Social Sciences Teachers' Association, 74, 24-28. (Persian).

Ju, Ch.; Zhao, A.; Zhang, A.; Deng, J. (2015). "Effects of fathering style on social problem-solving among Chinese teenagers", The roles of masculine gender stereotypes and identity Personality and Individual Differences, 77, 124–130.

Khaghani, H. (2019). Belbashho: An Essay in a Situation, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Persian).

Kunzmann, U., & Baltes, P. (2005). The Psychology of Wisdom: Theoretical and empirical challenges. In R. J. Sternberg and J. Jordan (Eds.), a Handbook of Wisdom, Cambridge University Press.

Maki, S., Imamgholi Khoshechin, T. and Dadashi, M. (2018). "The Effect of Problem Solving Skills Training on the Quality of Life of Women with Gestational Diabetes", Urmia Journal of Nursing and Midwifery, (16)10, 760-770. (Persian).

Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., & Schutte, N. S. (2007). "The efficacy of problem solving therapy in reducing mental and psysical health problems: A meta-analysis", Clinical Psychology Review, 27(1), 46-57.

Meiner, A. Greiff, S. Frischkorn, G. T. & Steinmayr, R. (2016). "Predicting complex problem solving and school grades with working memory and ability self-concept", Learning and Individual Differences, 49, 323-331.

Morera, O. F., Maydeu-Olivares, A., Nygren, T. E., White, R. J., Fernandez, N. P., & Skewes, M. C. (2006). "Social problem solving predicts decision making styles among US Hispanics", Personality and Individual Dif erences, 41, 307-317.

Moshman, D. (2005). Adolescent Psychological Development. Hillsdale, N. J: Lawrence Erlbaum Associates.

Mousavi, V.; Ghasemi-Joubaneh, R.; Rezaei, S.; Sheikhli, N. (2018). "Problem-solving styles in women who attempt chemical suicide", Clinical Psychology and Personality. 16 (2): 123-130. (Persian).

Nguyen, Cathina T., Diane L. Fairclough, and Robert B. Noll. (2016). "Problem-solving skills training for mothers of children

recently diagnosed with autism spectrum disorder: A pilot feasibility study.” Autism, 20.1: 55-64.

Pakaslahti, L. (2000). “Children and adolescents aggressive behavior in context: the development and application of aggressive problem-solving strategies”, Aggression and Violent Behavior, 5, 467-490

Reich, C. M., Blackwell, N., Simmons, C. A., & Beck, J. G. (2015). “Social problem solving strategies and posttraumatic stress disorder in the aftermath of intimate partner violence”, Journal of anxiety disorders, 32, 31-37.

Riggs, F. W. (2006). The prismatic model: Conceptualizing transitional societies. In Comparative Public Administration (pp. 17-60). Emerald Group Publishing Limited.

Robbins, D. (2000). Bourdieu & Culture, SAGE Publications.

Roy, N. M., Schwartz-Mette, R., & Nangle, D. W. (2020). “Interconnections among Perceived Stress, Social Problem Solving, and Gastrointestinal Symptom Severity”, Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy, 38(3), 330-344.

Sajjadinejad, M., Akbari Charmhini, P. (2019). Spiritual Intelligence and Problem Solving Skills, International Congress of Islamic Humanities. (Persian).

Sajjadinejad, M., Kalvani M., Falahati, M., Kazemi, K. (2013). Study of the Relationships between Spiritual Intelligence, Empathy and Problem Solving Style among University Students, National Congress of Social Psychology of Iran. (Persian).

Silverstein, M., Cabral, H., Hegel, M., Diaz-Linhart, Y., Beardslee, W., Kistin, C. J., & Feinberg, E. (2018). “Problem-solving education to prevent depression among low-income mothers: a path mediation analysis in a randomized clinical trial”, JAMA network open, 1(2), e180334-e180334.

Sohrabi, F. (2014). “The relationship between dominant identity style and the level of identity commitment of imprisoned women (based on the type of crime)”, Social Work Research Journal, 2, 1-25. (Persian).

Şukran, Ş., Figen, G. (2015). “The investigation of problem solving skills of mothers with and without disabled children”,

International Journal on New Trends in Education and Their Implications, 14, 104-111.

Swan, M., Toll, S., Behrens, K., Lindahl. D. (2010). Measuring the Personality Elements of Adolescents and Young People (Behavior Measurement and Evaluation): A Collection of Measurement Tools, Translated by: Abolfazl Dorudi, Abolfazl Karami, Tehran: Psychometric Publishing. (Persian).

Sylvia Y.C.L. Kwok, Jerf W.K. Yeung, Andrew Y.T. Low, Herman H.M. Lo, Cherry H.L. Tam. (2015). "The roles of emotional competence and social problem-solving in the relationship between physical abuse and adolescent suicidal ideation in China", Child Abuse & Neglect 44 ,117–129.

Taj Javaheri, A., Fathi Aghdam, Q. (2014). "The Effectiveness of Problem Solving Skills on Theory of Mind and Reducing Identity Crisis in Adolescent Girls, First National Conference on Educational Sciences and Psychology, Marvdasht, https://civilica.com/doc/ 338400. (Persian).

Tallman, I. (1971). "Family problem solving and social problems", in John Aldous, Thomas Gondon, Reuben Hill, Murray Straus, and Irving Tallman (eds) Family Pproblem solving Symposium, Ilinois : The Dryden Press Inc, pp:324-350.

Teglasi, H., & Rottman, L. (2001). "Stories a classroom-based program to reduce aggressive behavior", Journal of School Psychology, 39, 71-49.

Turner, N. E., Macdonald, J. & Somerset, M. (2008). "Life skills, Mathematic all reasoning and critical thinking: Acurricul for prevention of problem gambling", Journal of Gambling Studies New York, 24(3), pp. 367-380.

Sociological Explanation of the Relationship between Identity Styles and Social Problem Solving Strategies in Girls and Boys Ready for Marriage (Case Study: People Referring to Baharenko Counseling Center in Shiraz)

Maryam Momeni[1], *Halimeh Enayat (Ph.D)*[2], *Bijan Khajehnouri (Ph.D)*[3]

Doi: 10.22055/QJSD.2025.38220.2486

Abstract:

The aim of this study was to explain the sociological-socio-psychological factors related to social problem-solving strategies in girls and boys ready for marriage. The method used is survey and the sample size is 912 people. Desrilla and Bourdieu's theory was used as a theoretical framework to explain the solution of the social problem. The results indicate that the lower social classes are more likely to use careless and avoidant social problem-solving strategies. There is no significant difference in the level of logical problem solving strategy in terms of education according to the means. Illiterate people in Shiraz use more careless and avoidant problem solving strategies than other groups. Information identity style has a significant relationship with adopting a logical problem-solving strategy, normative identity style has a significant relationship with adopting a logical and careless problem-solving strategy, and chaotic identity style has a significant relationship with adopting a careless and avoidance problem-solving strategy. The results of stepwise regression indicate that chaotic identity style, class and gender have more explanatory power to solve the problem carelessly and chaotic identity style, class and education have the explanatory power of variable avoidance problem solving. The results of stepwise regression indicate that those with a stronger informational and normative identity style are more likely to adopt a logical problem-solving strategy.

Key Concepts: *Social Problem Solving, Identity Styles, Navigation, Baharnko*

[1] PhD in Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, m.momeni70@gmail.com
[2] Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author), henayat@rose.shirazu.ac.ir
[3] Associate Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran, bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).